

واکاوی در هویت و زندگی مادر امام زمان علیه السلام

محمد شهبازیان* و نعمت‌الله صفری فروشانی**

چکیده

این مقاله با هدف واکاوی جامع و نو در روایات مربوط به زندگانی مادر امام عصر علیه السلام، نگارش گردیده است. پس از بررسی روایت‌های موجود در منابع اهل سنت و شیعه و جمع آوری تمام گزارش‌های تاریخی و روایات، اعم از روایات ضعیف و معتبر، نتیجه مطالعات حاکی از آن است که ایشان کنیزی دارای کمالات روحی والا بوده و به عنوان محبوب‌ترین کنیز، در خانه حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام تحت تربیت دینی قرار گرفته است. همچنین از منابع به دست می‌آید که ایشان در جریان محافظت از جان امام مهدی علیه السلام نقش ویژه‌ای داشته و پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در قید حیات بوده و بیش از سی سال زندگی نموده است.

در این مقاله تمرکز بر اعتبار سنجی روایات نبوده است و تنها در برخی گزارش‌ها و روایات معارض به بررسی اسناد پرداخته ایم، تا بتوانیم نظر برگزیده را به دست آوریم. کلید واژه‌ها: نرجس، حکیمه، صقیل، مادر امام زمان علیه السلام.

مقدمه

منابع تاریخی، کم‌تر به بررسی زندگی مادران ائمه علیهم‌السلام و خصوصیات آن‌ها پرداخته و در مورد برخی از این بزرگواران گوشه‌هایی از حوادث را بازگو نموده‌اند. در میان مادران ائمه علیهم‌السلام، به دلیل حساسیت تولد حضرت مهدی علیه‌السلام و لزوم مخفیانه بودنش، مطالب اندک و گاهی مبهم و متناقض در مورد مادر ایشان علیها‌السلام دیده می‌شود. اما محققان عرصه مهدویت، تلاش نموده‌اند تا با گردآوری این مطالب از لابه‌لای متون، تصویری مشخص از زندگانی ایشان نشان دهند. در منابع کهن شیعی، همچون *الکافی*، کلینی (۳۲۹)؛ *الهدایة الکبری*، حسین بن حمدان (۳۳۴)؛ *الغیبة*، نعمانی (۳۶۰)، *کمال الدین و تمام النعمة*، شیخ صدوق (۳۸۱)؛ *الارشاد*، شیخ مفید (۴۱۳) و *کتاب الغیبة (الغیبة)*، طوسی (۴۶۰) و در میان منابع اهل سنت، کتاب‌هایی مانند *الفصل فی الملل و الاواء و النحل*، ابن حزم (۴۵۶) و *تاریخ الاسلام* ذهبی (۷۴۸)؛ به زندگانی این بانوی بزرگوار اشاره‌ای گردیده و زمینه‌ای برای محققین معاصر به ارث گذارده‌اند.^۲

اگر بنا بر نظر استاد جلالی حسینی، کتاب تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام را از ابن ابی الثلج (۳۲۲) دانسته (ابن ابی الثلج، ۱۴۱۰: مقدمه) و همچنین تاریخ وفات حسین بن حمدان را ۳۴۴ بدانیم، نظر آقای جاسم حسین که اولین منبع در معرفی نرجس خاتون را کتاب اثبات الوصیة می‌داند^۳ (جاسم، ۱۳۷۷: ص ۱۱۴)؛ قابل نقد بوده و کتاب تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام و *الهدایة*

۱. اگر چه این فرد از تابعان محمد بن نصیر می باشد و از سر دمداران فرقه انحرافی نصیریة است (که این ادعا از محتوای کتاب او هویداست) به هرحال این گروه انحرافی عقاید شیعی داشته و به امامت حضرت مهدی علیه‌السلام نیز قائل هستند. برای اطلاع بیشتر ر.ک: مقاله زندگی نامه حسین بن حمدان خصیبه، بنیانگذار فرقه نصیری - علوی، هارون فریمن، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، نشریه هفت آسمان، ش ۳۳ و حسین بن حمدان خصیبه و کتاب هدایة الکبری، نعمت الله صفری فروشانی، مجله طلوع، ش ۱۶.

۲. در متن مقاله به آدرس‌ها و مطالب اشاره شده است.

۳. تألیف کتاب اثبات الوصیة در سال ۳۳۲ به پایان رسیده است. ر.ک: اثبات الوصیة، ص ۲۷۳.

الکبری از اولین منابع ذکر نام ایشان است^۱ (ابن ابی الثلج، ۱۴۱۰: ص ۱۲۵).

البته این نقد زمانی به جاسم حسین وارد است که تالیف کتاب اثبات الوصیه را به مسعودی شیعی نسبت دهیم.

در صورتی که برخی از محققان بنا بر شواهدی، این کتاب را گرد آوری دو رساله مستقل نگارش شده در وصایت ائمه علیهم السلام و اثر شلمغانی و علی بن محمد بن زیاد صیمری می‌دانند^۲ و با توجه به این که صیمری از اصحاب امام هادی علیه السلام بوده (برقی، ۱۳۴۲: ص ۵۹)؛ و شلمغانی نیز کتاب‌های معتبر خود از نظر عقیدتی را قبل از سال ۳۱۲ هـ ق نگارش نموده (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۱۰)؛ اثبات الوصیه از منابع کهن و اولیه محسوب می‌گردد.

اگر چه تلاشی در خور تحسین از طرف محققان صورت گرفته است، بررسی جامع روایات، واکاوی مجدد متون و اشاره به منابع کهن و دسته بندی آن‌ها، تحقیقی تفصیلی و دوباره را طلب می‌کرد. لذا در این نوشتار، تلاش گردیده تا با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع اصلی، به کاوش تمام روایات فریقین (اعم از ضعیف و معتبر) پردازیم. هنگام بررسی زندگانی این بانو، به داستان اسارت ایشان و رومی بودنشان اشاره‌ای نشده؛ چراکه این مطلب نیازی به واکاوی جدی داشته و خود مقاله‌ای مستقل را می‌طلبد.

نام مادر امام زمان علیه السلام در منابع کهن

بنا بر گزارش‌های وارد شده در منابع مختلف، نامگذاری و اشاره به مادر امام مهدی علیه السلام و تولد موعود، سابقه‌ای بس طولانی داشته و علاوه بر اشاره امیر المومنین، علی علیه السلام (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۲۹). و بیان نام توسط امام باقر (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱) و امام صادق علیه السلام

۱. البته بنا بر نقل شیخ حر در اثبات الهداة، فضل بن شاذان در کتاب (اثبات الرجعه) خود به نام مادر امام عصر علیه السلام اشاره کرده است که بنا بر سابقه زمانی فضل، این منبع کهن‌تر از الهدایة الکبری می‌باشد؛ اما در پذیرش این کتاب و نسبت آن با فضل بن شاذان تردید جدی وجود دارد.

۲. ر.ک. بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، مقاله ۸۶، ص ۸۷۵-۹۱۷؛ و همچنین ر.ک: مقاله ایشان در اینترنت به آدرس <http://ansari.kateban.com/entry1196.html>

(اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۵)؛ جابر بن عبدالله انصاری نیز از فاطمه زهرا علیها السلام روایتی در معرفی نام او ذکر می‌کند (ابن بابویه: ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱). با توجه به گزارش شیخ مفید، برخی ویژگی‌های این بانو برای خلیفه دوم نیز آشنا بوده و از آن اطلاع داشته است. علی علیه السلام بنا بر درخواست خلیفه دوم ایشان را چنین معرفی نموده‌اند:

فَرَوَى عَمْرُو بْنُ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ سَأَلَ عَمْرُ بْنُ
الْخَطَّابِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَقَالَ أَخْبَرَنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ... قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَنْ صِفَتِهِ قَالَ
هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَيَعْلُو نُورُ
وَجْهِهِ سَوَادٌ شَعْرٌ لِحْيَتِهِ وَرَأْسُهُ بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْأِمَاءِ؛

جابر جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: روزی خلیفه دوم از امیر مومنان، علی علیه السلام پرسید: در مورد صفات مهدی علیه السلام به من اطلاعاتی بده؟ علی علیه السلام فرمود: جوانی است خوش قامت، با مو و چهره‌ای زیبا. درخشندگی چهره‌اش، سیاهی موی سر و ریشش را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان باد! (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۸۲ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۰).^۱

متون کهن شیعی و سنی، نام ایشان را با عناوین متفاوت ذکر کرده‌اند. می‌توان از کهن ترین منابع شیعی از کتاب تاریخ اهل البیت علیهم السلام ابن ابی الثلج نام برد که از ایشان چنین یاد می‌کند:

أَمَّ الْخَلْفِ الْقَائِمِ علیه السلام: صَقِيلَةٌ.^۲ و يقال: حَكِيمَةٌ. و يقال: نَرْجَسٌ، و يقال: سَوْسَنٌ. قال ابن همام: حَكِيمَةٌ، هِيَ عَمَّةٌ أَبِي مُحَمَّدٍ، و لَهَا حَدِيثٌ بَوْلَادَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ هِيَ رَوَتْ أَنَّ أُمَّ الْخَلْفِ اسْمُهَا نَرْجَسٌ؛

نام مادر امام عصر علیه السلام، صقیله^۳ است و برخی به نام حکیمه و برخی دیگر نرجس و دیگرانی سوسن خوانده‌اند. ابن همام می‌گوید: حکیمه، عمه امام

۱. بار دیگر خواننده گرامی را به این نکته توجه می‌دهیم که در این مقاله، تمامی گزارش‌های تاریخی در مورد مادر امام زمان علیه السلام را فارغ از اعتبار و عدم اعتبار آن نگارش نموده ایم.
۲. کتاب مجموعه نفسیه به نقل از ابن ابی الثلج این متن را آورده اما به جای صقیله، صغیره ذکر کرده است، که با توجه به تعدد بیان صقیل برای ایشان، صغیره اشتباه چاپی است. (مجموعه نفسیه فی تاریخ الأئمه علیهم السلام، ص ۲۲).
۳. در کتاب‌های شیعه از عبارت (صقیل) استفاده شده است.

حسن عسکری بوده است که حدیث ولادت مهدی علیه السلام را نقل کرده است و حکیمه مادر مهدی علیه السلام را نرجس نامیده است (ابن ابی الثلج، ۱۴۱۰: ص ۱۲۵).

ابن خشاب حنبلی^۱ نیز در کتاب خود سخنان مذکور را تکرار کرده؛ اما برخلاف ابن ابی الثلج، گزارش‌های خود را بر ذکر سند مبتنی نموده که بر اهمیت نقل او می‌افزاید.

او در روایتی به طریق جراح بن سفیان از امام صادق علیه السلام، نام مادر آن حضرت را صقیل ذکر نموده و از طریق ابوبکر زراع^۲، و در بیانی دیگر از طریق محمد بن موسی طوسی از بعض اصحاب تاریخ، نام او را حکیمه؛ و بنا بر گزارشی دیگر نام او را نرجس و سوسن بیان کرده است (جمعی از علما، ۱۴۲۲: ص ۵۰ و اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۵).

علاوه بر نام‌های مذکور برخی از کتاب‌ها از نام ریحانه و مریم دختر زید نیز برای ایشان استفاده کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۳۲ و خصیعی، ۱۴۱۹: ص ۳۲۸).

باید به این نکته توجه کرد که این دو نام اخیر، حداقل اعتبار را در میان نام‌ها دارند. و برخلاف بیان علامه مجلسی و شوشتری و پیروان آن‌ها (عاملی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۶ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۲۸)؛ حسین بن حمدان، قبل از شهید اول از عنوان (مریم بنت زید) استفاده کرده است و این نظر نه تنها با کنیز بودن مادر حضرت مهدی علیه السلام سازگار نیست؛ بلکه هیچ سند و یا منبع معتبری از طرف معتقدانش ارائه نگردیده است (خصیعی، ۱۴۱۹: ص ۳۲۸).

در روایتی از شیخ صدوق و سخنی از حسین بن حمدان، بیان شده که آن زمان تعدد نام کنیزان مرسوم بوده و جناب نرجس علیه السلام نیز با توجه به ویژگی‌های متنوع، به نام‌های مختلف خوانده شده است. به عنوان نمونه ایشان را به دلیل حمل فرزندی نورانی به نام صقیل (نورانی و جلا داده شده) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۳۸۰)، خوانده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۳۲؛ خصیعی، ۱۴۱۹: ص ۳۲۸ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۵). اگرچه در کتاب المجدی

۱. در مورد این فرد و مذهبش، ر.ک: ذیل طبقات الحنابلة، ابن رجب حنبلی، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲. پسوند او را به صورت «ذارع» و «دارع» نیز ذکر کرده‌اند. ر.ک: تاریخ اهل البیت علیهم السلام، ص ۳۲ و بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۴.

فی الانساب، روایتی نقل شده است که گزارش شیخ صدوق را زیر سوال برده و اعتقاد دارد نام صقیل قبل از بارداری به حضرت نرجس علیها السلام اطلاق می‌شده است (العلوی، ۱۴۰۹: ص ۱۳۱).^۱

اشکالی که در بیان صدوق وجود دارد، این است که هیچ فردی جز ایشان، به علت نام گذاری مادر حضرت علیها السلام به صقیل، گزارشی ذکر نکرده است و در سند ایشان سه اشکال اساسی وجود دارد:

الف) این گزارش به نقل از معصوم نبوده و آن را غیاث بن اسید ادعا می‌نماید؛
ب) افرادی مجهول در این روایت وجود دارند که از جمله آن‌ها شخص غیاث بن اسید^۲ می‌باشد؛

ج) این گزارش به شیخ صدوق اختصاص دارد و تنها از طریق ایشان نقل گردیده است. از طرف دیگر، نقل المجدی نیز از این ایرادات خالی نبوده و سه اشکال گذشته بر گزارش او نیز وارد است. هرچند در گزارش او تنها یک راوی مجهول، یعنی علی بن سهل تمار، وجود دارد. و نقل ایشان از برادر امام حسن عسکری می‌باشد؛ به خلاف شیخ صدوق که علاوه بر وجود چند راوی مجهول، گوینده اصلی روایت نیز شناخته شده نیست.^۳

۱. گزارش ایشان چنین است: «وکان أبو محمد علیه السلام اصطفی جاریة یقال لها نرجس علیها السلام وکان اسمها قبل ذلک " صقیل "»

۲. نامی از این فرد در منابع رجالی ما برده نشده است.

۳. اسناد ذکر شده در کمال الدین و المجدی به ترتیب ذیل می‌باشد:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَكْرِيَّا بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَلِيلَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ أُسَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ سَهْلِ التَّمَارِ بِالْبَصْرَةِ، قَالَ: أَخْبَرَنِي خَالِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ الْهَنْثَالِيُّ الدَّبِيلِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ الثَّقَفِيُّ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ يَحْيَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ أَحْمَدَ الشَّرِيفِ الْفَقِيهِ الدِّينِيِّ ابْنِ عَيْسَى ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِ بْنِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بَبْغَدَادَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلَانُ الْكَلَابِيُّ (كَلْبِيُّ) قَالَ: صَحَبْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا علیه السلام».

علت تعدد نام مادر

سید محمد صدر، صاحب موسوعه امام مهدی علیه السلام تعدد نام را برای کنیزان امری مرسوم دانسته و مواردی چون علاقه مالک و صاحب کنیز را به یکی از کنیزکان و استفاده از نام گل‌ها برای اسم بردن او، قرار دادن نامی برای کنیز، مطابق فرهنگ مردم عرب و گاهی عربی کردن نام آن کنیز را که از ممالک غیر عرب به اسارت گرفته شده است؛ به عنوان علت بیان می‌کند.

همچنین ایشان علاوه بر دلایل مذکور، یک دلیل اختصاصی و مرجح برای مادر امام عصر علیه السلام فرموده است که آن هم، پنهان داشتن ایشان از حکومت بنی عباس و عدم حساسیت در مورد یک کنیز مشخص می‌باشد (صدر، ۱۴۱۲: ص ۲۴۲).

شاید بتوان گفت که با توجه به متون و روایات موجود از علمای شیعه، نام نرجس و سپس صقیل، مشهورترین نام برای ایشان بوده است (خصیبه، ۱۴۱۹: ص ۳۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۳۲؛ ابن ابی الثلج، ۱۴۱۰: ص ۱۲۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۴۰؛ طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۹۹ و صدر، ۱۴۱۲: ص ۲۴۲). به گونه‌ای که علاوه بر وجود نام نرجس در روایات متعدد، در اشعاری از علمای شیعه قرن هشتم و نهم هجری نیز به ذکر شهرت این نام در میان علما اشاره گردیده (خصیبه، ۱۴۱۹: ص ۳۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۷۳ و ۴۷۵؛ طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۷۲ و العلووی، ۱۴۰۹: ص ۱۳۱). و عاملی نباطی که خود متوفای سال ۸۷۷ ق می‌باشد، به نقل از دیگر عالم شیعی حسین بن شمس حسینی^۱ چنین آورده است:

و مولد المهدی فی شعبان خمس و خمسين و مائتان
فی سرمن رأی بدار العسکری و نرجس الأم بقول الأکثر

تنها در میان عالمان شیعی، محمد بن همام بدون ارائه دلیلی ادعا نموده است که در میان نام‌های متعدد ایشان، سوسن صحیح و معتبر می‌باشد (ابن همام، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۵۸).^۲

۱. جهت شرح حال این عالم، ر.ک: تکملة أمل الآمل، سید حسن عاملی، ص: ۱۹۱

۲. الخلف الصالح محمد بن الحسن، ویکتی بآبی القاسم. و أمه يقال لها «سوسن» ويقال لها «نرجس»

در منابع اهل سنت نیز برخی در لابه‌لای بیان عقاید تشیع، به ایشان اشاره‌ای کرده و برخی دیگر هنگام بیان اعتقاد خود در مورد تولد حضرت مهدی علیه السلام به ذکر نام مادر ایشان پرداخته‌اند.

منبعی که‌هن‌تر از الفصل ابن حزم، در بیان نام و وقایع دوران ایشان پیدا نشد؛ اما پس از ابن حزم علمای متعددی از اهل سنت به نام ایشان اشاره نموده‌اند. ابن حزم داستان تولد حضرت مهدی علیه السلام را نمی‌پذیرد؛ اما در گزارش خود بیان می‌کند که بیش‌تر شیعیان به تولد و غیبت حضرت مهدی علیه السلام قائل می‌باشند و نام مشهور در زبان شیعیان را صقیل می‌دانند و در کنار این نام، از نرجس و سوسن نیز نام می‌برد (ابن حزم، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۱۲ و ابن حزم، ۱۴۲۴: ص ۶۱).^۱

اگر چه ابن حزم این نام‌ها را برای کنیزان متعددی فرض کرده است؛ بنا بر روایاتی که ذکر شد، تمامی این نام‌ها برای مادر علیه السلام متصور می‌باشد.

او اختیار نام صقیل را از میان نام‌های متعدد، برای مادر حضرت علیه السلام چنین ذکر می‌کند: «لان صقیل هذه ادعت الحمل بعد موت الحسن بن علی سیدها؛ چون کنیزی به نام

والأول أصح وأثبت، وهو القائم.

نسخه خطی این کتاب که گویا تنها نسخه و بدون تاریخ است، در مرکز «إحياء التراث اسلامی» در قم، نگهداری می‌شود. این کتاب در مصادر، با عنوان الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام و الأنوار، ذکر شده است. اصل این کتاب که درباره تاریخ زندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده امام علیهم السلام است، از مصادر عیون المعجزات و فرحة الغری عبد الکریم بن طاووس بوده است؛ اما پس از ابن طاووس، نایاب شد. منتخب آن با نام منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام، در اختیار محمد باقر مجلسی در سده یازدهم، و زوزی در پایان سده سیزدهم قرار داشت و از آن در بحار الأنوار و جواهر الأخبار نقل کردند. علی رضا هزار پس از تحقیق، این کتاب را چاپ نموده است.

۱. «وثبت جمهورهم علی أنه ولد للحسن بن علی ولد فأخفاه و قیل بل ولد له بعد موته من جاریة له اسمها صقیل و هو الأشهر وقال بعضهم بل من جاریة له اسمها نرجس وقال بعضهم من جاریة له اسمها سوسن والأظهر أن اسمها صقیل؛ الخ».

صقیل بعد از وفات مولایش، حسن بن علی علیه السلام، ادعای حمل نمود.^۱ (همان).

پس از ایشان، می‌توان به نقل ابن ابی الخشاب (جمعی از علما، ۱۴۲۲: ص ۱۴۹ و اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۵)؛ محمد بن طلحه شافعی (النصیبی الشافعی، ۱۴۱۹: ص ۳۱۲ و همان، ۱۴۲۵: ص ۸۰)؛ ابن خلکان (ابن خلکان، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۷۴) و عارف بسطامی (مناوی، ۱۳۵۶: ج ۶، ص ۳۶۰)^۲ اشاره کرد و در میان علمای متأخر اهل سنت که نام‌های ایشان را ذکر کرده‌اند، می‌توان به عبد الملک بن العصامی المکی اشاره نمود (العصامی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۳۵۲).^۳

در این منابع، در بیان نام مادر با شیعیان تفاوتی وجود ندارد؛ اما ابن خلکان و ابن طولون برخلاف دیگر متون شیعی و سنی نام ایشان را به «خمت» نیز آورده‌اند (ابن طولون، بی‌تا: ص ۱۱۷)، که با توجه به نادر بودن این گزارش، پذیرفتن آن مشکل می‌باشد.

نگاهی به زندگانی ایشان

آنچه در منابع روایی و تاریخی به جا مانده است^۴، تصریح بر کنیز بودن ایشان نموده و تربیت این بانوی بزرگوار را در خانه حکیمه خاتون، خواهر امام عسکری علیه السلام یاد آور می‌گردد (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۴۹ و ۳۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۴۰ و ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۴، ص ۱۷۴). اهل بیت علیهم السلام این مطلب را جهت انکار موعود بودن و ادعای مهدویت برخی از مدعیان، استفاده نموده‌اند. به عنوان نمونه نعمانی، چگونگی آموزش امام صادق علیه السلام در مناظره با یاران مغیره بن سعید و محمد بن عبدالله محض را که ادعای

۱. جالب توجه این که ایشان در الدر المنظم می‌گویند: «و هی من اولاد الحواریین».
۲. مراد از بسطامی، عبد الرحمن بن محمد بن علی بن أحمد بن محمد البسطامی الحنفی می‌باشد، که متوفای سال ۸۵۸ هـ.ق است. جالب است که او نیز مادر امام عصر را چنین معرفی می‌کند: «و اما أمه فاسمها نرجس من أولاد الحواریین».
۳. او سه نام را ذکر می‌کند: صقیل، سوسن و نرجس. جهت بررسی شخصیت علمی او ر.ک: ماهنامه آیین پژوهش، ش ۵۲، مقاله بندر بن محمد رشید.
۴. در مقدمه ذکر شد که این مقاله فارغ از بحث رومی بودن و اسارت ایشان نگارش گردیده است.

مهدویت داشت، روایت کرده که فرمودند:

«در برابر ادعای مغیره و ادعای مهدی بودن محمد بن عبدالله بن الحسن، این دلیل را اقامه کنید که مهدی موعود علیه السلام فرزند کنیز می‌باشد، در حالی که محمد بن عبدالله محض فرزند زنی آزاد است.»^۱

ایشان پس از پذیرش امام عسکری علیه السلام، به عقد ایشان در آمد تا رسالت مادری موعود امم را به عهده گیرد.^۲ بنابر مصالح الاهی نشانه‌های بارداری ایشان کاملاً مخفیانه بوده و هیچ یک از اطرافیان نیز تا نزدیکی ولادت از این مهم مطلع نبوده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۲۴). اگر گزارش دلائل الامامة را بپذیریم، گویا ایشان خواهری داشته که در منزل امام حسن عسکری علیه السلام مدتی خدمت کرده؛ اما شب ولادت در منزل حضور نداشته است (طبری، ۱۴۱۳: ص ۵۴۸).^۳ در زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، او در کنار همسر گرامی خود بوده و با درخواست امام علیه السلام، فرزند بزرگوارشان، حضرت مهدی علیه السلام را نزد ایشان برده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۷۲ و نیلی، ۱۴۲۶: ص ۵۳).

ایشان پس از تولد امام عصر علیه السلام و بازگشت مادر امام حسن عسکری علیه السلام از مدینه به سوی سامرا، مورد آزار جعفر کذاب قرار گرفته و جهت حفظ فرزندش و دور کردن اذهان از جست‌وجوی کودک خود، ادعای وضع حمل کرده و به همراه کنیزی دیگر به نام ورداس^۴،

۱. از مجموعه این روایات می‌توان به اشتباه بودن این نظر که نام مادر ایشان را مریم بنت زید العلویة، معرفی کرده‌اند نیز، پی برد؛ چرا که این اسم به یک زن آزاد مسلمان متعلق می‌باشد.
۲. این که نحوه انتخاب ایشان به عنوان همسر امام عسکری علیه السلام چگونه اتفاق افتاده است، در مقاله‌ای دیگر به بحث خواهیم نشست.
۳. «فَإِنِّي خَرَجْتُ وَأُخْتِي حُبْلَى وَأَنَا خَالَتُهُ».
نکته‌ای که باید دقت کرد این است که در نقل جناب شیخ عبارت «و انا خالته»، وجود ندارد و استاد علی دوانی نیز عبارت «و اختی حبلی» را به خواهر معنوی ترجمه کرده‌اند. ر.ک: مهدی موعود، ص ۷۷۴.

در چاپ‌هایی از دلائل الامامة نیز به جای «و انا خالته»، عبارت «و انا خالیة» را به کار برده‌اند.

۴. نام این کنیز را تنها حسین بن حمدان گزارش کرده است. ر.ک: الهدایة الکبری، ص ۲۴۸.

زندانی می‌شوند و به دستور معتمد خلیفه عباسی، نگهبانانی از جمله تحریر خادم خلیفه، زنان معتمد و موفق و کنیزان آنها به همراه زنان ابن ابی الشوارب قاضی را به بازرسی ایشان می‌گمارند و پس از دو سال و اندی، به دلیل اثبات نشدن بارداری، مرگ عبید الله بن یحیی بن خاقان^۱، خروج عباسیان از سامرا به سمت بغداد و حمله صاحب زنج، ایشان را آزاد می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۰ و ج ۲، ص ۴۷۴ و ۴۷۶ و مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۲۵). سپس عثمان بن سعید (نائب اول)، ایشان را به سمت بغداد برده (سد آبادی، ص ۱۴۶)^۲؛ و بنابر نقل نجاشی، در خانه محمد بن حمزة بن الحسن بن عبید الله بن العباس بن علی بن ابی طالب^۳ سکونت گزیده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۴۸).

نکته قابل تامل در زندگی آن بانو این است که اگر چه آن حضرت به عنوان کنیز وارد خانه اهل بیت^{علیهم‌السلام} شده‌اند؛ با توجه به آموزش‌های حکیمه خاتون و مجالست با ایشان، به درجات والای علمی و دینی می‌رسند (طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۹۹)؛ به گونه‌ای که نه تنها نزدیک ترین کنیز به حکیمه خاتون^{علیها‌السلام} می‌گردند (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۵۶)، بلکه طبق نوشته برخی از منابع، در دوران غیبت صغرا ملجا و پناهگاه شیعیان نیز بوده‌اند (همان، ص ۳۷۲)^۴؛ در مورد زمان وفات و

۱. زمان مرگ عبید الله بن خاقان را سال ۲۶۳ ذکر کرده‌اند. ر.ک: تاریخ طبری، ج ۸، ص ۴۶۸.
۲. «فأنفذ المعتمد إلى عثمان بن سعيد، وأمره أن ينقلهن إلى دار القاضي، أو بعض الشهود حتى يستبرهنن بالموضع، فسلمهن إلى ذلك العدل، فأقمن عنده سنة ثم ردهن إلى عثمان بن سعيد..... فلما تسلم عثمان بن سعيد الجوارى، وفيهم أم صاحب الأمر^{علیها‌السلام}، نقلهن إلى مدينة السلام».
- قابل ذکر است که مولف کتاب المقنع با شیخ طوسی و سید مرتضی معاصر بوده‌اند و کتاب ایشان از طریق سید هبة الله بن ابی محمد الحسن الموسوی که با علامه حلی معاصر بوده است؛ به دست مرحوم محدث نوری و سپس شیخ عباس قمی رسیده است. ر.ک: الذریعة، ج ۲۰، ص ۵۶.
۳. ایشان ساکن بغداد بوده و در سال ۲۸۶ هـ ق وفات کرده است. ر.ک: تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۳۳۲.

۴. «و عنه قال: حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْقُمِّيُّ، قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى سَامَرَةَ مَعَ ابْنِ أَحْمَدَ الشُّعْبَانِيِّ وَ كَتَبْتُ رُفْعَةَ إِلَى السَّيِّدَةِ نَرْجِسَ^{علیها‌السلام} أَعْرَفَهَا بِقُدُومِي لِزِيَارَةِ مَوْلَايَ^{علیها‌السلام} وَ أَنْفَذْتُهَا مَعَ بَدْرِ الْخَادِمِ الْمَعْرُوفِ بِأَبِي الْحُرِّ فَأَنْصَرَفَتْ فَإِذَا بِالرَّسُولِ يَطْلُبُنِي فَجِئْتُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ وَ قَدْ دَفَعَ إِلَيَّ أَبِي دِينَارَيْنِ وَ أَرْبَعِ رُفْعٍ فَقَالَ لِي: عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ لَوْ لَأَنَّهُ ذَهَبَ لَأَخَذَ بَعْضَهُ مِنَ الْخَادِمِ فَقَالَ:

محل وفات ایشان در منابع شیعی نکته‌ای به دست نیامد؛^۱ اما در منابعی از اهل سنت به این گزارش تاریخی اشاره‌ای شده است که پس از حدود بیش از بیست سال از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، و در زمان سکونت ایشان در منزل فردی به نام حسن بن جعفر نوبختی، توسط معتضد عباسی در قصر محبوس شده و در زمان المقتدر عباسی در همان قصر وفات نمودند (ابن حزم، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۱۲).^۲ موافق با نظر شیعیان ایشان در کنار همسر گرامی‌شان دفن شده و مورد زیارت محبان اهل بیت علیهم السلام می‌باشند (ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ص ۶۶۰).^۳

تفاوت روایات در زمان وفات ایشان

شیخ صدوق روایتی از ابو علی خیزرانی نقل می‌کند که زمان وفات مادر حضرت مهدی علیه السلام را قبل از امام حسن عسکری علیه السلام ذکر نموده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۳۱).^۴

خُذِ الدَّيْنَارَيْنِ فَقُلْتُ لِمَ هَذِهِ قَدْ أَمَرْتُ أَنْ يُنَكَّسَنِي بِهَا فَقَالَ ابْنُ أَحْمَدَ أَكْتُبْ رُفْعَةَ وَاسْأَلْهُمْ الدُّعَاءَ فَقُلْتُ حَتَّى أَسْتَأْذِنَ الْخَادِمَ فَإِنْ أَذِنَ لِي كَتَبْتُ فَجِئْتُ إِلَى بَدْرٍ فَعَرَفْتُهُ عَلَى بَنِ أَحْمَدَ وَ مَذْهَبَهُ وَ أَعْلَمْتُهُ أَنَّهُ يُرِيدُ يَكْتُبُ رُفْعَةَ وَ أَنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَسْتَأْذِنَ لَهُ فَقَالَ لِي:

تَعُودُ إِلَيَّ بَعْدَ هَذَا الْوَقْتِ فَأَنْصَرِفْتُ فَجَاءَنِي رَسُولُ الْخَادِمِ فَسِرْتُ إِلَيْهِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: أَكْتُبْ بِمَا تُرِيدُ فَكَتَبْتُ رُفْعَةَ أَسْأَلُ فِيهَا الدُّعَاءَ وَ أَنْصَرِفْنَا فَلَمَّا كَانَ بِالْعَشِيِّ جَاءَنِي رَسُولُ الْخَادِمِ فَسِرْنَا إِلَيْهِ جَمِيعًا فَدَفَعْتُ إِلَيْهِ رُفْعَةَ فَدَعَا لَهُ فِيهَا وَ دَفَعَ إِلَيْهِ سِتَّةَ دَرَاهِمٍ وَ قِيلَ لَهُ رَصِّعْ مِنْهَا الْخَوَاتِمَ».

۱. تنها یک روایت از شیخ صدوق نقل شده است که در ادامه مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲. با توجه به اینکه زمان به حکومت رسیدن المقتدر سال ۲۹۵ق می باشد، ایشان حداقل تا این زمان در قید حیات بوده‌اند.

۳. مرحوم مشهدی، زیارتی را از زبان یکی از محبان ایشان نقل می کند و این زیارت به قول معصوم مستند نمی باشد.

«الباب (۳) زیارة أم القائم عليه السلام أملاها علي رجل من البحرين سمعته يزور بها؛
ثُمَّ عُدَّ إِلَى الْعَسْكَرِيِّينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، وَ قَفَّ عَلَى قَبْرِ أُمِّ الْحُجَّةِ عليها السلام وَقَالَ...».

علامه مجلسی در بحار الانوار این زیارت را به کتاب مزار شیخ مفید نیز نسبت داده اند که با جست‌وجو در مزار موجود از شیخ مفید، این مطلب را نیافتیم و گویا در مزار کبیر ایشان بوده که نسخه ای در اختیار علامه مجلسی قرار داشته است. ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۷۱.

۴. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ

این روایت به دلیل اشکالات متعدد، مورد اطمینان علما واقع نشده است. از جمله این اشکالات، مجهول بودن ابو علی خیزرانی و کنیزش، عدم ذکر این متن در منابع روایی دیگر، تعارض با روایاتی که حیات نرجس خاتون علیها السلام را نقل نموده اند؛ می باشد.

به عنوان نمونه شیخ صدوق در کمال الدین روایتی نقل می کند که اشاره به توقیع امام مهدی علیه السلام و پیشگویی ایشان از آزار مادر خود توسط حکومت عباسی دارد. ایشان می فرمایند:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْمَتِيلِيُّ قَالَ: جَاءَنِي أَبُو جَعْفَرٍ فَمَضَى بِي إِلَى الْعَبَّاسِيَّةِ وَأَدْخَلَنِي خَرَبَةً وَأَخْرَجَ كِتَابًا فَقَرَأَهُ عَلَيَّ فَإِذَا فِيهِ شَرْحٌ جَمِيعٌ مَا حَدَّثَ عَلِيُّ الدَّارِ وَفِيهِ أَنْ فُلَانَةَ يَعْنِي أُمَّ عَبْدِ اللَّهِ تُؤْخَذُ بِشَعْرِهَا وَ تُخْرَجُ مِنَ الدَّارِ وَ يُحْدَرُ بِهَا إِلَى بَغْدَادَ فَتَقْعُدُ بَيْنَ يَدَيِ السُّلْطَانِ وَ أَشْيَاءَ مِمَّا يَحْدُثُ ثُمَّ قَالَ لِي احْفَظْ ثُمَّ مَزَقَ الْكِتَابَ وَ ذَلِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَحْدُثَ مَا حَدَّثَ بِمَدَّةٍ؛

ابو علی گوید: ابو جعفر به نزد من آمد و مرا به عباسیه برد و به ویرانه ای درآورد. آن گاه نامه ای را خارج ساخت و برایم خواند. دیدم شرح همه حوادثی است که در سرای امام علیه السلام رخ داده است و در آن چنین آمده بود: گیسوی فلان، یعنی مادر امام مهدی علیه السلام را بگیرند و از سرا بیرون کشند و به بغداد ببرند و در مقابل سلطان بنشینند و امور دیگری که واقع خواهد شد. سپس گفت: آنها را حفظ کن و نامه را پاره کرد و این مدتی پیش از وقوع آن حوادث بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۹۹).

همچنین روایاتی معتبر^۱ و مشهور (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۰)؛ در نزاع میان جعفر کذاب و مادر امام حسن عسکری علیه السلام و ادعای بار دار بودن صقیل بیان شده است که محدث بزرگی، مانند کلینی به نقل از استاد جلیل القدر خود محمد بن یحیی از أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى بْنِ

.....
الْخَيْرَرَانِيُّ عَنْ جَارِيَةٍ لَهُ كَانَ أَهْدَاهَا لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَ فَلَمَّا أَعَارَ جَعْفَرُ الْكَذَّابُ عَلَيَّ الدَّارَ جَاءَتْهُ فَارَةً مِنْ جَعْفَرٍ فَتَزَوَّجَ بِهَا قَالَ أَبُو عَلِيٍّ فَحَدَّثْتَنِي أَنَّهَا حَضَرَتْ وَلَادَةَ السَّيِّدِ عليه السلام وَ أَنَّ اسْمَ أُمِّ السَّيِّدِ صَقِيلٌ وَ أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَ حَدَّثَهَا بِمَا يَجْرِي عَلَيَّ عِيَالِهِ فَسَأَلْتُهُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهَا أَنْ يُجْعَلَ مِثْلُهَا قَبْلَهُ فَمَاتَتْ فِي حَيَاةِ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ عَلَيَّ قَبْرِهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ هَذَا قَبْرُ أُمِّ مُحَمَّدٍ؛ الخ.

۱. علامه مجلسی نقل کلینی را می پذیرد و آن را موافق واقع می داند. ر.ک: مرآة العقول، ج ۶، ص ۱۳۸.

خَاقَان و شیخ صدوق از طریق پدرش، علی بن حسین بابویه از سعد بن عبدالله اشعری این واقعه تاریخی منقول از أَحْمَدَ بْنَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى بْنِ خَاقَانَ بیان می‌کند و این گزارش، صراحتاً بر حیات این بانو پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۰ و ج ۲، ص ۴۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۲۵؛ طوسی، ۱۴۲۰: ص ۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۷۲؛ سدآبادی، ص ۱۴۶ و طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۲۵).^۱ علاوه بر این که تا کنون هیچ یک از علما بر داستان زندانی شدن نرجس علیها السلام پس از شهادت همسرشان، خدشه وارد نکرده و آن را به صورت قول مشهور پذیرفته‌اند. نکته قابل تامل در شهرت حیات مادر امام عصر علیه السلام این که علاوه بر نقل اهل سنت، جناب نجاشی نیز در شرح حال محمد بن علی بن حمزه که از نوادگان حضرت عباس بن علی علیه السلام می‌باشد؛ می‌گوید: «و فی داره حصلت أم صاحب الأمر علیه السلام بعد وفاة الحسن علیه السلام؛ مادر امام عسکری علیه السلام بعد از وفات امام عسکری علیه السلام در خانه او زندگی می‌کرده است.» (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۴۸).

نتیجه

با مطالعه منابع متعدد که شامل روایات ضعیف و معتبر بوده است، این گزارش به دست می‌آید که نام مادر امام زمان علیه السلام نه تنها برای برخی از صحابه همچون جابر بن عبدالله انصاری، آن هم از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شناخته شده بوده؛ بلکه در منابع شیعی و سنی نیز متعدد ذکر شده و برخی از علمای اهل سنت نیز این نظر شیعیان را پذیرفته‌اند که امام حسن عسکری علیه السلام، همسری به نام نرجس داشته و از ایشان صاحب فرزندی گردیده است.

تعدد نام ایشان نیز بنابر مصالح و عرف آن دوره منطقی بوده و در میان گزارش‌ها به دو نام نرجس و صقیل، توجه بیش‌تری نموده‌اند.

همچنین ایشان در زمان امامت فرزندشان در قید حیات بوده و نقش حمایت از حضرت مهدی علیه السلام را عهده دار بوده‌اند.

۱. به منابع شیعی متقدم و متاخری که این واقعه تاریخی را به اتفاق نقل کرده‌اند؛ می‌توان بیان ابن حزم در صفحات گذشته را نیز اضافه کرد.

کتابنامه

۱. ابن ابی الثلج، محمد بن احمد، *تاریخ اهل البيت* علیهم السلام، محمد رضا جلالی حسینی، قم: آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن المشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، جواد قیومی، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *تهذیب التهذیب*، صدقی جمیل العطار، ۱۰ج، قم: دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن حزم، محمد علی بن احمد، *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، تحقیق: یوسف البقاعی، ۳ج، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵. — *جمهرة انساب العرب*، ۲ج، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق.
۶. ابن رجب، عبد الرحمن، *ذیل طبقات الحنابلة*، نرم افزار المکتبة الشاملة.
۷. ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الأعیان*، احسان عباس، بیروت: دارالثقافة، بی تا.
۸. ابن طولون، محمد بن علی، *الأئمة الإثنی عشر*، صلاح الدین المنجد، بیروت: دار صادر، بی تا.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن همام، محمد، *منتخب الانوار فی تاریخ الأئمة الأطهار* علیهم السلام، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة* علیهم السلام، هاشم رسولی محلاتی، ۲ج، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
۱۲. انصاری قمی، حسن، *بررسی های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۱۳. برقی، احمد بن محمد، *رجال (الطبقات)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.
۱۴. جمعی از نویسندگان، *مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمة* علیهم السلام، بیروت: دارالقاری، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۵. حسین، جاسم، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، محمد تقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۱۶. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الكبرى*، بیروت: البلاغ، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۷. سدآبادی، عبید الله بن عبدالله، *المقنع فی الإمامة*، شاکر شیع، قم: نشر اسلامی، (برگرفته از سایت کتابخانه دیجیتال نور).
۱۸. صدر، سید محمد، *تاریخ الغیبة الصغری*، بیروت: دارالتعارف، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، مهدی لاجوردی، ۲جلد، تهران: نشر جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۰. — کمال الدین و تمام النعمة، علی اکبر غفاری، ۲ جلد، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، علی مهنا، ۱۰ ج، بیروت: الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۲. — دلائل الإمامة، قم: بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعة، قم: ستاره، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۴. — کتاب الغیبة للحجة، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۵. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۲۶ ج، بیروت: دارالأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۲۶. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ۳ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۲۷. العصامی، عبدالملک بن الحسین، سمط النجوم العوالی، عادل أحمد، ۴ ج، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۸. العلوی، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، قم: مکتبة آية الله المرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ ج، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱ ج، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ جلد، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۳۲. المناوی، عبدالرؤف، فیض التقدير شرح الجامع الصغیر، ۶ ج، مصر: المکتبة التجاریة الكبرى، چاپ اول، ۱۳۵۶ق.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
۳۴. النصیبی الشافعی، محمد بن طلحة، مطالب السؤل، بیروت: البلاغ، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۵. — الدر المنتظم فی السر الأعظم، بیروت: دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۳۷. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، السلطان المفرج، قیس العطار، قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.